

مجله بین المللی مطالعات صلح و امنیت

فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

شماره ۱ | تابستان ۱۳۸۹
ISSN 2043-9016

ریشه های بی اعتمادی بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس
مکانیسم سازماندهی امنیت همیارانه در خلیج فارس در دوران اوپاما
عوامل تنش زا و تاثیر آن بر نظامی گری در حوزه خلیج فارس
گفتمان نظامی گری در سیاست خارجی کشورهای حوزه خلیج فارس
تحلیل رابطه بین عدم گسترش دموکراسی و گسترش نظامی گری

مجله دیپلماسی و اسلام التعاون

الازمه الیمنیه فی اطار الامن اقلیمی

حراک الجیو - ستراتیجیا الایرانیه

... و ۵ مقاله انگلیسی





تابستان ۱۳۸۹

فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

Number 1, July-September 2010
Just Peace Diploamcy Journal
International Peace Studies Centre (IPSC)
www.peace-ipsc.org
ISSN 2043-9016 (Print)
ISSN 2043-9024 (Online)

English Articles	1-94
Persian Articles	95-228
Arabic Articles	229-264



IPSC

International Peace Studies Centre

Articles

Dialogue and Difference
Seyed G Safavi [9-18]

Regional Stability and Balancing in the
Persian Gulf (2001 to 2010)
Ibrahim Mottaqi [19-38]

Analysis of the Effect of Oil Income on
Militarism in the Persian Gulf
Ata Bahrami [39-60]

Ontological Security and Militarism in
the Persian Gulf Cooperation Council
(PGCC) Foreign Policy
Elham Rasouli Sani Abadi [61-76]

Iran – US Relations and Its Impact on
Persian Gulf Security
Haidar Ali Massoudi [77-94]

فهرست

ریشه‌های بی‌اعتمادی بین ایران و کشورهای حوزه خلیج
فارس: تحلیلی سازمانگاران (ونتی) بر فرهنگ‌های حاکم

بر تعاملات آنها پس از انقلاب اسلامی ایران

محمد صادق جوکار و مهدی طوسی {۱۰۱-۱۳۰}

مکانیسم‌سازماندهی امنیت همیارانه در خلیج فارس در
دوران اوپاما

زهره پوستین چی {۱۳۱-۱۶۰}

عوامل تنش‌زا و تاثیر آن بر نظامی‌گری در حوزه خلیج
فارس

محمد مودب {۱۶۱-۱۸۴}

گفتمان نظامی‌گری در سیاست خارجی کشورهای حوزه
خلیج فارس

نبی‌اله ابراهیمی {۱۸۵-۱۹۸}

تحلیل رابطه بین عدم گسترش دموکراسی و گسترش
نظامی‌گری در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

مهدی طوسی و مهدی مدنی {۱۹۹-۲۲۸}

الأزمة اليمنية في إطار الأمن اقليمي

طلال عتریسی {۲۳۳-۲۴۴}

حراك الجيو-ستراتيجيا الإيرانية

الخليج الفارس كمجال إحتدام

محمود حيدر {۲۴۵-۲۶۴}

تحلیل رابطه بین عدم گسترش دموکراسی و گسترش نظامیگری در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

مهدی طوسی و مهدی مدنی

مرکز بین المللی مطالعات صلح- تهران-ایران

چکیده

این پژوهش سعی در پژوهش در خصوص این سؤال می‌پردازد که چه رابطه‌ای بین عدم استقرار دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج فارس و نظامی‌گری (عدم صلح) وجود دارد و آیا استقرار دموکراسی می‌تواند موجب کاهش نظامی‌گری و استقرار صلح داشته باشد: مفروض این پژوهش این است که یکی از شاخص‌های اصلی عدم استقرار صلح در منطقه وجود پدیده نظامی‌گری می‌باشد که خودها به شکل مختلف خرید تسلیحات، پیمان‌های نظامی، مداخله نظامی در امور یکدیگر و نهایتاً جنگ نظامی تبلور می‌یابد و هرچه شاخص‌های دموکراسی در یک منطقه تضعیف گردد اشکال نظامی‌گری تقویت می‌گردد. بنابراین می‌توان سؤال و فرضیه این پژوهش را اینگونه مطرح نمود.

سؤال پژوهش: چه رابطه‌ای بین استقرار دموکراسی و نظامی‌گری در کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد؟

فرضیه: تضعیف شاخص‌های دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج فارس سبب تقویت شاخص‌های نظامی‌گری در منطقه می‌گردد و تقویت شاخص‌های دموکراسی در کشورهای خلیج فارس سبب تضعیف شاخص‌های نظامی‌گری و تقویت صلح در منطقه می‌گردد.

شکل‌بندی مقاله برای ارزیابی این فرضیه و پاسخ به سؤال در چارچوب ۴ بخش صورت می‌گیرد. در بخش اول به بیان مفهومی تز و ایده صلح دموکراتیک «و چگونگی تأثیرگذاری آن بر مطالعات صلح و عدم نظامی‌گری پرداخته می‌شود، در بخش دوم شاخص‌های دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج فارس براساس آمارهای بین‌الملل چون «خانه آزادی» بررسی می‌شود. در بخش سوم شاخص‌های نظامی‌گری کشورهای حوزه خلیج فارس بیان می‌شود و در بخش چهارم که بخش نتیجه‌گیری نیز می‌باشد نشان داده می‌شود که در کشورهایی چون عربستان و امارات متحده عربی که شاخص‌های دموکراسی ضعیف‌تر است شاخص‌های نظامی‌گری نیز تقویت می‌گردد و در کشورهایی چون کویت و بحرین که شاخص‌های دموکراسی قوی‌تر است شاخص‌های نظامی‌گری نیز تضعیف می‌گردد. دلالت‌های سیاست‌گذارانه برای نهادهای تصمیم‌گیر نیز در این است که: هدف برقراری صلح منطقه‌ای از طریق برقراری و تقویت شاخص‌های دموکراتیک در عرصه داخلی حاصل می‌گردد که از اینرو آینده صلح منطقه خلیج فارس در گرو میزان نهادینگی شاخص‌های مردمسالارانه است.

کلیدواژه‌ها: صلح دموکراتیک، آزادی سیاسی، نظامی‌گری، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

مقدمه

فرض رابطه بین استقرار صلح و وجود دموکراسی یکی از اصول بنیادین مفروض نظام بین‌المللی در مطالعات صلح است. این ایده که برآورده‌اند آراء امانوئل کانت در تز «صلح دموکراتیک» بوده معتقد است که صلح دائمی زمانی حاصل می‌شود که دموکراسی در کشورها نهادینه شده و به واسطه کارویژه‌های نهادی، حقوقی و سیاسی دموکراسی، صلح جهانی به تبع آن حاصل می‌شود. هرچند آزمون این تز در خصوص مطالعات صلح منطقه‌ای در بسیاری مناطق صورت گرفته است ولی درباره آزمون این فرضیه در خصوص مسائل خاورمیانه و خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس پژوهش‌چندی صورت نگرفته است. به عنوان مثال موراوچیک^۱ با استفاده از این تز به بررسی همگرایی اروپایی پرداخته و اصلی‌ترین دلیل آنرا نهادینه شدن دموکراسی در کشورهای

اروپایی می‌داند. از نظر وی دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در همگرایی اروپایی چون تعاملات اقتصادی و سیاسی، نقش نخبگان، حل معضله امنیت، ارتباط فرهنگی و ... نقش ثانویه در این رو نداشته است. پژوهشی دیگر نیز درباره همگرایی منطقه‌ای و استوار صلح در خصوص کشورهای آسه‌آن صورت گرفته است که هرچند شکل‌گیری بنیان‌های اولیه این روند تحت تأثیر رقابت‌های ایدئولوژیک جنگ سردی صورت گرفته است اما تداوم آن پس از ۱۹۹۰ و فروپاشی شوروی مرهون نزدیکی نگرشی و نهادینگی اصول هنجاری و نهادی در فضای سیاسی داخلی آنها (دموکراسی) بوده است و تداوم آن را باید مرهون این عوامل دانست.

حال این پژوهش سعی در پژوهش در خصوص این سؤال می‌پردازد که چه رابطه‌ای بین عدم استقرار دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس و نظامی‌گری (عدم صلح) وجود دارد و آیا استقرار دموکراسی می‌تواند موجب کاهش نظامی‌گری و استقرار صلح داشته باشد:

مفروض این پژوهش این است که یکی از شاخص‌های اصلی عدم استقرار صلح در منطقه وجود پدیده نظامی‌گری می‌باشد که خودها به شکل مختلف خرید تسلیحات، پیمان‌های نظامی، مداخله نظامی در امور یکدیگر و نهایتاً جنگ نظامی تبلور می‌یابد و هرچه شاخص‌های دموکراسی در یک منطقه تضعیف گردد اشکال نظامی‌گری تقویت می‌گردد. بنابراین می‌توان سؤال و فرضیه این پژوهش را اینگونه مطرح نمود.

سؤال پژوهش: چه رابطه‌ای بین استقرار دموکراسی و نظامی‌گری در کشورهای حوزه خلیج‌فارس وجود دارد؟

فرضیه: تضعیف شاخص‌های دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس سبب تقویت شاخص‌های نظامی‌گری در منطقه می‌گردد و تقویت شاخص‌های دموکراسی در کشورهای خلیج‌فارس سبب تضعیف شاخص‌های نظامی‌گری و تقویت صلح در منطقه می‌گردد.

شکل‌بندی مقاله برای ارزیابی این فرضیه و پاسخ به سؤال در چارچوب ۴ بخش صورت می‌گیرد. در بخش اول به بیان مفهومی تز و ایده صلح دموکراتیک «و چگونگی تأثیرگذاری آن بر مطالعات صلح و عدم نظامی‌گری پرداخته می‌شود، در بخش دوم شاخص‌های دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس براساس آمارهای بین‌الملل چون «خانه آزادی» بررسی می‌شود. در بخش سوم

شاخص های نظامیگری کشورهای حوزه خلیج فارس بیان می شود و در بخش چهارم که بخش نتیجه گیری نیز می باشد نشان داده می شود که در هر کشوری که شاخص های دموکراسی ضعیف تر است شاخص های نظامی گری نیز تقویت می گردد و در کشورهایی چون کویت و بحرین که شاخص های دموکراسی قوی تر است شاخص های نظامی گری نیز تضعیف می گردد. دلالت های سیاستگذارانه برای نهادهای تصمیم گیر نیز در این است که هدف برقراری صلح منطقه ای از طریق برقراری و تقویت شاخص های دموکراتیک در عرصه داخلی حاصل می گردد که از اینرو آینده صلح منطقه خلیج فارس در گرو میزان نهادینگی شاخص های مردمسالارانه است.

بخش اول : «صلح دموکراتیک» و سازوکارهای تأثیرگذاری آن بر تنش زدایی

بنیان صلح دموکراتیک بر این اصل تجربی استوار شده است که ملل دموکراتیک به ندرت با هم درگیری خصومت آمیز پیدا می کنند و نتیجه این الگو شکل گیری و تحکیم صلح در بین کشورهای دموکراتیک است. تاکنون مطالعات زیادی در خصوص آزمون پتانسیل صلح دموکراتیک به عمل آمده است. مثلاً مسکویتا و لالمن، ۱۹۹۲؛ دیکسون، ۱۹۹۴؛ موز و روسو، ۱۹۹۳؛ درباره معانی و کاربرد سیاسی صلح دموکراتیک ری، ۱۹۹۷؛ روسو، ۱۹۹۳؛ یافته های نظری این پژوهش ها ظهور تئوریهایی است درباره چگونگی تأثیر شرایط درونی یک کشور در شکل دهی الگوهای رفتاری خارجی و شیوه های کاهش و یا نابودی تنش های خصمانه است. و از سوی دیگر تأثیر نرم های بین الملل در محدودیت توان جنگ افروزی و مخاصمه رهبران است. به تعبیر لالمن و مسکویتا این اندیشه کانتی یک رابطه دو سویه بر کارگزاران دولتی است. از یکسو تأثیر افکار عمومی داخلی و از سوی دیگر محدودیت بخشی ساختارهای دموکراتیک بین المللی و افکار عمومی جهانی که تصمیم کنشگر محدود می کند.^۲ اما به تعبیر جان پاتی و روبرتو ویر با وجود اینکه این فرضیه، در پژوهش های گسترده و زیادی بیان شده است در مورد آن از سوی محققان یک پایه تئوریک محکم بیان شده است که به اعتبار بخشی آن کمک کند.^۳ اما ویلیام آویلس که به بررسی تأثیر صلح دموکراتیک در روابط آمریکا و کلمبیا پرداخته است بیان می کند که: هرچند کشورها به دلیل ارزشها و هنجارهای مشترک و روابط اقتصادی - تجاری متقابل و یا نظارت و کنترل های نهادی - اجتماعی بر استفاده دلبخواهانه از قدرت و ضرورت تصویب قوانین توسط نمایندگان مردم در دموکراسی ها، اختلافات بین آنها باید از طریق مکانیزم های همکاری گرا و صلح آمیز برطرف شود

اما شواهد زیادی وجود دارد که دموکراسی‌ها در جنگ‌های بسیار بزرگی با همدیگر هم پیشقدم بوده و هم مشارکت داشته‌اند.

اما یکی منسجم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه صلح دموکراتیک پژوهشی است که ولفگانگ واکنر^۴ درباره کاربست فرضیه صلح دموکراتیک بر ایجاد یک جامعه امنیتی است. وی معتقد است صلح دموکراتیک سه سازوکار دارد که می‌تواند از طریق آنها روابط همسو و عاری از جنگ ایجاد نماید که عبارتند از:

سازوکارهای تاثیرگذاری صلح دموکراتیک

۱- سازوکار پاسخگویی

مهمترین مکانیزم صلح دموکراتیک سازوکار پاسخگویی است که بوسیله کانت مطرح شده است. به نظر وی یک سیستم دموکراتیک قانون محور رهبران را مسئول پاسخگویی به اولویت‌ها و ترجیحات مردم می‌نماید. به دلیل اینکه فرض می‌شود شهروندان ریسک ورود به جنگ را به دلیل آسیب‌های اجتماعی - سیاسی آن نمی‌پذیرند، رهبران جوامع دموکراتیک نوعاً باید هزینه‌های زیادی بابت جنگ افروزی احتمالی خود بپردازند که همیشه جنگ افروزی رهبران (نه دفاع مشروع) باعث از دست رفتن اعتبار و مشروعیت آنها شده و اغلب آنها را از قدرت کنار می‌زند.^۵

منتقدان این موضوع بر این نکته ایراد می‌گیرند و معتقدند که رهبران کشورهای دموکراتیک نیز ممکن است با انحراف افکار عمومی و تبلیغات و یا دریافت هزینه‌های جنگ اقلیت مرفه جامعه و شرکت‌های چندملیتی و سپس پشتیبانی سیاسی از آنها پس از دوران جنگ، ترجیحات صلح‌طلبانه مردم را تغییر دهند اما به رغم این نقد، دموکراسی به دلیل اینکه رهبران حداقل خواستار تداوم حضور خود در قدرت هستند و حتی اگر جنگ آسیب مالی هم به عامه مردم تحمیل نکند، به دلیل آسیب‌های پرستیژی جنگ طلب بودن افکار عمومی جهانی و آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر جهانی سربازان، باعث پاسخگویی رهبران می‌شود.

مسکویتا نکته دیگری را مطرح می‌کند و آن این است که جنگ‌طلبی رهبران و تأکید آنها بر اقلیت خاصی از جامعه برای تأمین هزینه‌ها، امکان تقویت رقبا یا شکل‌دهی به اکثریت مخالف جنگ

فراهم می‌شود.^۶ بنابراین به نظر می‌رسد که به دلیل اینکه وظیفه دولت در عرصه سیاست خارجی تأمین و تدارک کالای همگانی برای کشور خود است و جنگ تأمین کالاهای همگانی‌ای چون تقویت امنیت داخلی، دفاع از باورها و ارزشهای فرهنگی، منافع و جان شهروندان، حفظ پرستیژ بین‌المللی، تأمین امنیت شهروندان در خارج از کشور و .. را به خطر می‌اندازد.

۲- سازوکار اهمیت هنجارها و فرهنگ دموکراتیک

دومین سازوکار صلح و دموکراتیک برای تأمین صلح و احتراز از جنگ، وجود هنجارها و ارزشهای مشترک بین دموکراسی‌هاست که سبب روابط هم سو بین آنها می‌شود. مطابق این نظر، هنجارهای دموکراتیک مشترک، احترام به آزادیهای فردی، حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت ملت-ها و نیز هنجارهای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در درون فرهنگ سیاسی جوامع دموکراتیک قرار دارد و سیستم سیاسی آن نهادینه شده است.^۷ به دلیل اینکه این هنجارها بخشی از هویت آنهاست، دموکراسی می‌تواند انتظار داشته باشند که نرم‌ها و قوانین تصمیم‌گیری داخلی در رفتار سیاست خارجی آنها تبلور داشته باشد.^۸ منتقدان این سازوکار معتقدند که داشتن چنین نیت-های خیری برای چیرگی بر معضل امنیت که از اعتماد دوجانبه کسب می‌شود، برای عدم حمله دموکراسی‌ها به همدیگر و بخصوص حمله و اعدام جنگ به غیردموکراسی‌ها کافی نمی‌باشد. اما موافقان معتقدند که هنجارهای دموکراتیک باعث شکل‌گیری هویت اجتماعی مشترکی بین کشورها از طریق نرم‌های دموکراتیک می‌شود. براساس این پژوهش صلح و دموکراتیک براساس این تصور که دولت‌هایی که دارای هنجارها و فرهنگ‌های مشترک (چه دموکراتیک، سوسیالیست و چه آسیایی باشند) ممکن است باعث شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی‌ای شود که باعث از بین رفتن تعارضات شده و چیرگی بر عدم اعتماد فی‌مابین می‌شود.^۹ به هر حال این پژوهش‌های صلح دموکراتیک تأکید می‌نمایند که به طور خاص دولت‌های دموکراتیک از هویت‌های جمعی‌ای برخوردارند که به طور کارآمدی جنگ را از بین می‌برد. دلیل آن عبارتست از:

الف: با توجه به احترام به آزادی فردی و حق تعیین سرنوشت که بخشی از هویت دموکراسی است منجر به احترام به حقوق دیگران در مورد حق تعیین سرنوشت‌شان یعنی به همان حقی که خود از آن بهره‌مند هستند، احترام می‌گذارند.^{۱۰} اضافه بر این آزادی بیان و ارتباطات مؤثر و گسترده باعث اشتراک در مورد مفاهیم کلیدی زندگی سیاسی با افراد خارجی می‌شود که این امر برای ایجاد، حفظ و تحکیم برای وابستگی متقابل می‌شود.^{۱۱}

ب: رهبران دموکراتیک می‌توانند با مشروعیت‌یابی نیت‌هایشان صلح‌آمیزشان در سطح داخلی‌شان می‌شود.

ریس کاپین اشاره می‌کند دولت‌هایی با هنجارهای دموکراتیک جمعی از گسترش یافتن تعارضات جلوگیری می‌نماید. چون اگر امنیت‌های صلح‌آمیز رهبران نیز تضعیف شود، افکار عمومی مشترک کشورها مانع از تعمیق تعارضات شده و باعث همکاری و روابط مسالمت‌آمیز متداوم و ماندگار می‌شود.^{۱۲}

۳- سازوکار محدودیت‌های نهادی صلح دموکراتیک

این استدلال برخاسته از آراء دوتوکویل بود که بر آن بودند که سیاست جامعی دولت دموکراتیک شدیداً بوسیله سیستم چک و کنترل محدود خواهد بود از این منظر صلح دموکراتیک بر توزیع قدرت تأکید می‌کند که کند شدن تصمیماتی در استفاده از جنگ برای رسیدن به اهداف و نیز کاهش احتمال اتخاذ چنین تصمیماتی منجر می‌شود.^{۱۳}

اما در عین حال منتقدان نیز مطرح می‌نمایند که وجود بازیگرانی چون پارلمان و یا دادگاههای عالی قضایی ممکن است باعث محدودیت دولت در ورود به جوامع امنیتی (به تعبیر دریچ) به بهانه حفظ استقلال ملی شوند اما به نظر روسو و اونیل مطالعات تجربی خلاف این را ثابت می‌کند که دموکراسی‌ها از احتمال بیشتری برای عضویت در این مجموعه‌های امنیتی نسبت به دیگر انواع حکومت برخوردارند.^{۱۴} براساس منظر گویتاز این نکته درست است که گستردگی نهادها باعث دشوار شدن تصمیمات می‌شود و ورود کشورها را به مجموعه‌های امنیتی که در آن خطر جنگ از بین رفته را کمتر می‌کند اما این نکته نیز درست است که همین گستردگی محدودیت‌های نهادی به معنی الزامی بودن تشکیل یک جامعه بین‌الملل و امن نیست اما به این معنی است که تصمیم‌گیری دولت اکنون دلبخواهانه نیست بلکه با محدودیت‌های عینی روبروست. نهادهای چک و کنترل در سیستم دموکراسی و امکان وجود رقبای قدرتمند در این ساختارها باعث می‌شود که رهبران در صورتی که به تضعیف قواعد سیستم دموکراسی و استانداردهای حقوق فردی دست بزنند، با خطر جابجایی روبرو می‌شوند. از مهمترین عوامل این کنترل و محدودیت سیستم توزیع قدرت و تفکیک قواست. معمولاً در تمام دموکراسی‌ها کسب هزینه‌های جنگ باید با تصویب قوه مقننه انجام بگیرد

و ریاست جمهور اگر از اختیار اعلام جنگ بر علیه کشوری دیگر نیز داشته باشد مکانیزم‌های نهادی دو قوه دیگر یکی با عدم تصویب بوجه درخواستی دولت و دیگری با مورد پیگیری قرار دادن نقض قوانین داخلی و یا اساس از تصمیم دولت ممانعت به عمل می‌آورند. از میان مهمترین متفکرانی که به پژوهش درباره صلح دموکراتیک براساس رویکرد محدودیت نهادی پرداخته‌اند، جان ماتی و روبرتو داگز هستند مدل پیشنهادی آنها که به رغم خود درصدد ارائه چارچوبی برای ارائه یک تبیین علمی از صلح دموکراتیک است برای اصل بنیادی استوار است «وقوع جنگ در بین دو کشور نمی‌تواند نتیجه عدم توافق دوجانبه درباره احتمال موفقیت کدامیک در یک نبرد نظامی باشد».^{۱۵} به عبارت دیگر برخلاف نظر برخی که معتقدند جنگ و تعارض در شرایطی اتفاق می‌افتد که دو طرف از نتیجه آنان آگاه هستند، واکنز خلاف آنرا معتقد است و بیان می‌کند: فهم دوجانبه میان ملت‌ها از همدیگر (به عنوان مثال در حقوق عقد امنیت نهادی سیاسی طرف مقابل و فرایند تصمیم‌گیری آنها) می‌تواند و (باید) فارغ از منافع حاصل از جنگ، منجر به کاهش احتمال تعارض شود. به نظر آنان که مدل صلح دموکراتیک خود را «مدل صلح آگاهانه» نام نهاده‌اند، تصمیم در این مدل براساس نظر یک فرد صورت نمی‌گیرد نوعی تصمیم‌گیری که گروهی انجام می‌گیرد و براساس اطلاعات از فرایند تصمیم‌گیری کشور دیگر. مبنای اصلی فکری آنها درباره کشور دیگر هم پذیرش وجود عقد امنیت در سیستم تصمیم‌گیری آنان است ضرورت دقت این گروه فکری تصمیم‌گیری نیز براساس مکانیزم پاسخگویی (مورد اول) به نمایندگان مردم است که به همین سبب بیشتر به سوی همکاری و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات نیل می‌نمایند تا شکل‌گیری رفتار ناهمسو و تنش‌آلود.^{۱۶}

بخش دوم : شاخص های دموکراسی در کشور های عربی حوزه خلیج فارس

مباحث مربوط به وضعیت شاخص های دموکراتیک در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مبتنی بر جدیدترین آمار مرکز «خانه آزادی» می باشد. این مرکز بر اساس دو دسته بندی عام حقوق سیاسی و آزادیهای مدنی به رده بندی کشور ها می پردازد. حقوق سیاسی که در حقیقت افراد را قادر به مشارکت آزادانه در فرایند های سیاسی می کند شامل شاخص های: حق رای دادن آزادانه به گزینه های تفاوت در انتخابات مشروع، توانایی رقابت برای پست های سیاسی، توانایی آزادانه تشکیل احزاب سیاسی و یا پیوستن به آنها و توانایی انتخاب نمایندگان و توان تاثیر گذاری بر آنها

می باشد. آزادیهای مدنی نیز شامل شاخص های آزادی بیان، آزادی عقیده، حق تشکیل اجتماعات، حاکمیت قوانین و آزادیهای شخصی و عدم نقض آن توسط دولت.

از لحاظ روش شناختی هر کدام از این شاخص ها بر اساس رتبه بندی ۱ تا ۷ مشخص شده اند که هر چه امتیاز به ۱ نزدیکتر باشد نشانگر آزادی بیشتر آن کشور و تطابق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر است.^{۱۷}

شاخص های کلی وضعیت سیاسی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

وضعیت نهایی	آزادیهای مدنی	حقوق سیاسی	
غیر آزاد	۶	۷	عربستان سعودی
غیر آزاد	۵	۶	امارات متحده عربی
غیر آزاد	۵	۶	قطر
غیر آزاد	۵	۶	عمان
تا حدی آزاد	۴	۴	کویت
تا حدی آزاد	۵	۵	بحرین

۱. عربستان سعودی

بر اساس گزارش «خانه آزادی» شاخص های جزئی دو مولفه «حقوق سیاسی» و آزادیهای مدنی در کشور عربستان بدین گونه است^{۱۸}:

* این کشور فاقد یک دموکراسی انتخاباتی است. قانون اساسی ۱۹۹۲ این کشور بیان می کند که قرآن و سنت قانون اساسی این کشور هستند. این کشور دارای یک مجلس شورا با ۱۵۰ عضو است که منصوب شاه بود و برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. این شورا دارای قدرت محدودی بوده و صرفاً نقش شوری دارد. شورای وزیران نیز که قوه اجرائیه این کشور هستند نیز منصوب شاه می باشند. از لحاظ ساختار سیاسی خاندان آل سعود بر تمام شئون حیات سیاسی این کشور سلطه دارند، احزاب سیاسی در این کشور ممنوع بوده و تنها چند گروه معارض سیاسی

IPSC Journal - No 1

وجود دارند که در لندن اقامت دارند. حکومت به طور مداوم شهروندان سعودی که خواهان آزادی سیاسی بیشتر هستند را سرکوب می‌کند و در سال ۲۰۰۴ عبدالله الحمد و عیسی الحمد دو تن از فعالان سیاسی خواستار آزادی سیاسی را دستگیر و زندانی نمود. ادعای حکومت در سرکوب مخالفان سیاسی خود اتهام دروغین ارتباط با شیعه نظامیان مذهبی است.

* فساد سیاسی در این کشور بسیار گسترده است و بنا به گزارش کمپانی‌های نفتی خارجی، رشوه‌خواری در این کشور بسیار شایع است و به همین دلیل در رده ۷۹ رده‌بندی جهانی از لحاظ شاخص فساد از منظر موسسه بین‌المللی «شفافیت» در سال ۲۰۰۷ قرار دارد.

* حکومت عربستان به سختی برنامه رسانه‌های خبری و روزنامه‌ها را کنترل می‌کند و هرگونه نکته انتقادی نسبت به مقامات دولتی جرم تلقی می‌شود به همین دلیل در سال ۲۰۰۷ پلیس فواد الفرهان بلاگر عربستانی را به جرم انتقاد از فساد سیاسی در کشور دستگیر زندانی نمود.

* آزادی مذهبی در این کشور وجود ندارد و سخت‌گیرانه‌ای گسترده‌ای علیه اقلیت شیعیان و گروه‌های صوفیانه در این کشور اعمال می‌شود.

* آزادی علمی در محیط دانشگاه وجود نداشته و تمام متون درسی توسط افراد منصوب پادشاه کنترل می‌شوند. هرچند در سال ۲۰۰۵ در پی فشار آمریکا مبنی بر حذف موارد تشویق‌کننده خشونت، اقداماتی از سوی حکومت عربستان صورت گرفت ولی با منصوب شدن عبدالله بن صالح العبید به سمت ناظر متون درسی همچنان سانسور شدید بر متون درسی صورت می‌گیرد.

* آزادی اجتماعات سیاسی در این کشور وجود ندارد هرچند در سال ۲۰۰۳ تشکیل انجمن حقوق بشر ملی به تصویب حکومت رسید ولی عملاً هیچ اقدام عملی صورت نداده است.

* قوه قضائیه سعودی هم اکنون در حال تدوین دوباره است که امیر عبدالله در سال ۲۰۰۷ دستور تدوین دوباره دادگاه عالی و دادگاه استیناف داده است ولی به هر حال در این قانون جدید نیز اعضاء دادگاه عالی توسط امیر عبدالله منصوب می‌شوند.

* تبعیضات مضاعفی علیه شیعیان در این کشور وجود دارد و شیعیان با وجود داشتن ۱۵-۱۰ درصد جمعیت از همه حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محروم می‌باشند.

* هرچند در سالهای اخیر برخی اقدامات در خصوص آموزش زنان در مدارس دخترانه صورت گرفته است ولی در مجموع به زنان به عنوان شهروندان برابر با مردان شناخته نمی‌شوند و در معرض بسیاری از محدودیت‌ها در مورد حقوق اولیه خود قرار دارند. آنها حتی از حق رانندگی یا حضور در خیابان به تنهایی و یا استفاده از امکانات عمومی در حضور مردان محروم هستند.

۲. فدراسیون امارات متحده عربی

بر اساس گزارش «خانه آزادی» شاخص‌های جزئی دو مولفه «حقوق سیاسی» و آزادیهای مدنی در کشور امارات متحده عربی بدین گونه است^{۱۹}:

این کشور در پی اعلام بریتانیا مبنی بر خروج از منطقه خاورمیانه در سال ۱۹۷۱ به هم پیوستن شش شیخ‌نشین ابوظبی، دبئی، شارجه، فجیر، عجمان، ام‌القوین تشکیل شد که شیخ‌نشین رأس الخیمه یکسال بعد به آن پیوست. از لحاظ قانونی قدرت اصلی در این کشور در دست هر یک از شیخ‌نشینان قرار دارد.

* کشور امارات دارای یک دموکراسی انتخاباتی نیست و تمام تقسیمات درباره مدیریت سیاسی در دست سران قبیله حاکم بر هر یک از شیخ‌نشین‌ها قرار دارد که با همدیگر شورای عالی فدرال FSC به عنوان بالاترین نهاد قانونگذاری و اجرایی کشور را تشکیل می‌دهند. هفت شیخ‌نشین رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور را منصوب کرده و وی نیز نخست‌وزیر و اعضای کابینه را انتخاب می‌کند. کشور امارات دارای یک شورای ملی فدرال FNC با ۴۰ عضو دارد که نیمی از آنها برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ انتخاب شده‌اند. در این کشور رأی دهندگان محدود به هیأت انتخاب کنندگان رئیس‌جمهور Electoral College به تعداد ۶۶۸۹ نفر بود که بوسیله رؤسای هفت شیخ‌نشین انتخاب می‌شوند. نیم دیگر شورای ملی فدرال نیز مستقیماً توسط حکومت برای یک دوره ۲ ساله منصوب می‌شوند. اخیراً مسئولان UAE اعلام کرده‌اند که درصدد اعطای حق انتخاب کردن به همه شهروندان امارات در انتخابات FNC ۲۰۱۰ هستند. قابل ذکر است که این

IPSC Journal - No 1

شورا نقش مشورتی به رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور داشته ولی می‌تواند وزیران دولت فدرال را مورد سؤال قرار دهد.

* احزاب سیاسی در این کشور وجود ندارند و اختصاص مذهب سیاسی در حکومت براساس وابستگی قبیله‌ای و قدرت اقتصادی صورت می‌گیرد. امارات ابوظبی به عنوان عمده‌ترین تولیدکننده نفت امارات سیاسی ریاست فدراسیون را از زمان تشکیل به عهده داشته است.

* امارات متحده عربی از لحاظ شاخص فساد در بین کشورهای خاورمیانه در جایگاه آخر قرار دارد طبق آمار سازمان بین‌المللی شفافیت ۲۰۰۷ در جایگاه ۳۸ در رده‌بندی جهانی (۱۸۰ کشور) قرار دارد.

* اگرچه قانون اساسی امارات تا حدودی آزادی بیان را به رسمیت شناخته است اما حکومت به صورت تاریخی در عمل این حق را محدود کرده است. قانون نشر و مطبوعات (شماره ۱۵ در سال ۱۹۸۰) برای همه رسانه‌ها اعمال می‌شود که آنها را از انتشار «هرگونه مطلب علیه رؤسای شیخ‌نشین‌ها، کشورهای دوست، موضوعات مذهبی و پرونوگرافی بر حذر داشته است را نتیجتاً روزنامه‌نگاران اماراتی عموماً در عمل دچار خودسانسوری هستند و بیشتر به انتشارات میانه‌های رسمی حکومت بدون هیچ‌گونه انتقادی می‌پردازند. هرچند اخیراً در دبی «منطقه آزاد رسانه‌ای» تشکیل شده است که گفته شده است دارای محدودیت‌های کمتری است ولی در نوامبر ۲۰۰۷ شبکه عربی برای حقوق بشر بیانیه‌ای در تداوم محدودیت‌ها در مورد آزادی بیان آزادی، مطبوعات و همچنین در محدودیت‌ها در مدارس امارات منتشر نمود.

* آزادی علمی در کشور امارات بسیار محدود است و وزارت آموزش نام کتب درسی را در مدارس دولتی و خصوصی کنترل می‌کند.

* آزادی اجتماعات در امارات محدود است و محدودیت‌هایی زیادی در مورد توانایی شهروندان برای سازماندهی تجمعات وجود دارد. همه سازمانهای غیردولتی NGOs باید در وزارت کار امور اجتماعی (شئون و عمل اجتماعی) ثبت شوند.

* قوه قضائیه نهادی مستقل نیست و احکام دادگاهها در معرض دخالت گروه‌های سیاسی قرار دارند. سیستم قضایی به دو شاخه دادگاههای شرعی (مربوط به جرائم خانوادگی و جنایی) و دادگاههای سکولار (مربوط به قوانین مدنی) تقسیم می‌شود ولی در هر دو دادگاه در بسیاری موارد نقض حقوق انسانی صورت می‌گیرد.

* تضييع حقوقی ساکنین غیرشهروند امارات در بسیاری از جنبه‌های زندگی چون استخدام، آموزش، خدمات بهداشتی و مسکن صورت می‌گیرد در حالیکه ۲۰ درصد ساکنین امارات شهروند این کشور محسوب می‌شوند و بقیه از ملیت‌های دیگر مهاجر به این کشور هستند که فاقد هرگونه حقوقی هستند.

* قانون اساسی برابری حقوقی را در مقابل قانون برای همه شهروندان تصویب کرده است اما برابری جنسیتی در امارات وجود ندارد و در عمل حقوق قانونی، اقتصادی و اجتماعی زنان به دلیل سلطه تعصبات سنتی تضييع می‌گردد.

* در کشور امارات شبکه‌های قاچاق انسانی و سوءاستفاده فیزیکی از انسانها شیوع گسترده‌ای دارد و به همین خاطر این کشور در حلقه دوم Watch List وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۷ قرار دارد.

۳. عمان

بر اساس گزارش «خانه آزادی» شاخص‌های جزئی دو مولفه «حقوق سیاسی» و آزادیهای مدنی در کشور عمان بدین گونه است^{۲۰}:

ماهیت حکومت عمان سلطنتی است و همه امور در شخص سلطان خلاصه می‌شود. سلطان بر هر سه قوه تسلط دارد و وظایف آن‌ها را مشخص می‌کند. سلطان «قابوس» در ششم دی ۱۳۷۶ فرمان ایجاد «مجلس عمان» را صادر کرد. این مجلس که اساس قوه مقننه کشور را

IPSC Journal - No 1

تشکیل می دهد خود متشکل از دو مجلس است: «مجلس دولت» (مجلس الدوله) و «مجلس شورا» (مجلس الشوری).

مجلس شورا برای یک دوره ۴ساله توسط مردم انتخاب می شود و ۸۳عضو دارد. مجلس دولت که جنبه مشورتی دارد دارای ۷۰عضو است برای یک دوره ۴ساله توسط پادشاه انتخاب می شود. در انتخابات مجلس که در سال ۱۳۸۶ برگزار شد ۶۳۱ نفر که ۲۱ زن در میان آنها بود، داوطلب ورود به مجلس شدند. ۳۹۰ هزار عمانی واجد شرایط رای دادن بودند که ۶۲ درصد آنان در انتخابات شرکت کردند. در انتخابات سال ۱۳۸۲، ۱۳۸۲ پانصد و نه نفر که ۱۵ نفر آنان زن بودند نامزد نمایندگی مجلس شدند. در این انتخابات، ۸۰۰ هزار عمانی واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که ۷۴ درصد آنان پای صندوق های رای حضور یافتند.

* به رغم بند ۳۴ قانون اساسی مبنی بر آزادی بیان اما دولت از انتقاد از مقامات دولتی جلوگیری می کند.

* از لحاظ فساد سیاسی در رتبه ۵۳ موسسه بین المللی «شفافیت» قرار دارد که نشانگر وضعیت نامساعد اجتماعی و سیاسی است.

* هر چند در سال ۲۰۰۴ قانون آزادی رسانه خصوصی از سوی سلطان صادر شد ولی در عمل همه رسانه های بزرگ دولتی بوده و رسانه های کوچک خصوصی هم دچار خودسانسوری اند.

* آزادی بیان محدود بوده و تشکیل حزب سیاسی ممنوع است. قوه قضائیه زیر نظر سلطان بوده و استقلالی نداشته و در معرض دخالت های سیاسی است.

* از لحاظ فساد سیاسی در رتبه ۵۳ موسسه بین المللی «شفافیت» قرار دارد.

ع. قطر

IPSC Journal - No 1

بر اساس گزارش «خانه آزادی» شاخص های جزئی دو مولفه «حقوق سیاسی» و آزادیهای مدنی در کشور قطر بدین گونه است^{۲۱}: ماهیت رژیم سیاسی قطر سلطنتی است. نظام سیاسی قطر از امیر قطر، نخست وزیر، شورای وزیران (قوه مجریه)، شورای مشورتی یا مجلس شورا (قوه مقننه) و قوه قضائیه تشکیل یافته است. امیر قطر بالاترین مقام و رئیس حکومت قطر است و عالی ترین فرد تصمیم گیرنده در کشور به شمار می آید. قانون اساسی قطر، اختیارات کامل در زمینه صدور فرمان ها و همچنین اختیارات اجرایی را به امیر محول کرده است و قوای سه گانه در اختیار وی هستند. پس از روی کار آمدن "شیخ حمد" برخی اصلاحات در این کشور انجام شد. مهم ترین جلوه این اصلاحات، اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ بود. یکی از نتایج آن، تصریح قانون به تشکیل مجلسی است که ۴۵ عضو دارد و دو سوم آن با رای مردم انتخاب می شود. این مجلس جنبه مشورتی دارد و در انتخاب آن تنها ۲۰۰ هزار نفر حق رای دادن داشتند. مجلس کنونی این کشور غیرانتخابی است. این مجلس ۳۵ عضو دارد و اعضای آن برای یک دوره ۶ ساله از سوی شاه انتخاب شده اند.

* از لحاظ فساد سیاسی در رتبه ۳۲ موسسه بین المللی «شفافیت» قرار دارد.

* به زغم تصریح قانون اساسی مبنی بر آزادی بیان، احزاب سیاسی و مطبوعات آزاد و ممنوع بوده و حتی شبکه الجزیره نیز تحت کنترل مقامات دولتی است و از مقامات قطری انتقاد نمی کند.

* بازداشت خودسرانه افراد تحت بند ۱۷ قانون ۲۰۰۲ مبنی بر «حفاظت از جامعه» برخلاف قانون اساسی وجود دارد.

* به رغم تصریح قانون اساسی بر آزادی اجتماعات در عمل این آزادی توسط دولت محدود می شود و فعالیت NGOs نیاز به تایید مقامات دولتی دارد.

* ساکنان غیر شهروند از هرگونه حقوقی محرومند و تلاش دولت در مورد قاچاق انسانی عملا در بسیاری از موارد به شکست می انجامد.

۵. بحرین

بر اساس گزارش «خانه آزادی» شاخص های جزئی دو مولفه «حقوق سیاسی» و آزادیهای مدنی در کشور بحرین بدین گونه است^{۲۲}:

شاه وزرای کابینه و همچنین اعضاء مجلس مشورتی نواب را انتخاب می کند. لازم به ذکر است بحرین دارای دو مجلس است. که هر دو دارای ۴۰ عضو می باشند. اعضاء مجلس نواب را شاه انتخاب کرده و اعضاء مجلس دیگر «مجلس شورای نمایندگان» برای یک دوره چهارساله از طرف مردم انتخاب می شوند. مجلس شورای نمایندگان می تواند برخی قوانین را پیشنهاد کند که در نهایت باید به تصویب کابینه برسد.

* از لحاظ فعالیت های سیاسی، احزاب سیاسی در بحرین غیرقانونی هستند اما به عنوان نکته مثبت، دولت بحرین اجازه اجتماعات یا گروه های سیاسی به منظور سازماندهی فعالیت ها در کشور را می دهد. در آگوست سال ۲۰۰۵ شاه بحرین شیخ محمد بن علیس الخلیفه قانون جدید اجتماعات سیاسی را تصویب کرد که حسب آن تشکیل هرگونه جمعیت سیاسی بر پایه طبقه، شغل و مذهب را ممنوع کرده و جمعیت های سیاسی مجاز نیز باید در وزارت دادگستری ثبت شوند.

* اگر چه بحرین دارای قوانین خوبی در مبارزه با فساد است اما عمل به آنها ضعیف بوده. این کشور در رده ۴۶ رده بندی جهانی فساد از نظر موسسه شفافیت بین الملل در سال ۲۰۰۷ قرار دارد. * اخیراً سه روزنامه خصوصی در بحرین ایجاد شده است.

* نکته مثبت بحرین شاهد رشد تعداد سازمان های غیردولتی (NGO) بوده که موضوعات مختلفی چون حقوق بشر، حقوق زنان و دموکراتیزاسیون را پیگیری می کنند. هرچند مرکز بحرینی حقوق بشر (BCHR) در سپتامبر ۲۰۰۴ توسط حکومت بسته و منحل شده است ولی اعضاء آن به فعالیت خود ادامه داده اند.

* نکته مثبت شهروندان بحرین حق تشکیل اتحادیه های کارگری بدون اجازه دولت را دارند که البته این قانون بر کارگران خارجی شاغل در بحرین حقوق نمی کند در نتیجه کارگران خارجی در معرض انواع سوءاستفاده های شغلی قرار دارند.

* قوه قضائیه در بحرین مستقل از قوه مجریه نیست و شاه بحرین باید تمامی آراء صادره دادگاهها را امضاء کند.

* نکته مثبت اینکه زنان در بحرین حق رأی دادن و مشارکت در انتخابات محلی و ملی را دارند و پیشرفت‌هایی در این زمینه داشته است.

۶. کویت

بر اساس گزارش «خانه آزادی» شاخص های جزئی دو مولفه «حقوق سیاسی» و آزادیهای مدنی در کشور کویت بدین گونه است^{۲۳}:

براساس قانون اساسی، نظام حکومتی کویت، از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل یافته است. همچنین یک شورای مشورتی، امیر کویت را در امور مملکتی همراهی می کند. قانون گذاری برعهده «مجلس امت» (مجلس الامه) است. این مجلس که تنها مجلس کویت است، دارای ۶۵ عضو است که پنجاه عضو آن با رای مردم برای یک دوره چهارساله انتخاب می شوند. ۱۵ عضو دیگر اعضای دولت هستند. مجلس کویت در هر سال، حداقل به مدت هشت ماه اجلاس خواهد داشت که وظیفه دارد تا پایان آخرین اجلاس خود، لایحه بودجه سال بعد را تصویب کند. از دیگر وظایف قوه مقننه می توان به توانایی آن در استیضاح وزرا اشاره کرد و چنانچه وزیری استیضاح شود باید از مجلس رای اعتماد بگیرد.

امیر می تواند مجلس را منحل یا رئیس شورای وزیران را برکنار کند، اما در صورت انحلال مجلس، مجلس جدید باید بلافاصله پس از دو ماه برگزار شود. در طول تاریخ کویت بارها امیر کویت مجلس را منحل کرده است. مجلس در مواقع لزوم اختیارات گسترده ای در ارتباط با بودجه سالانه تقدیمی از سوی دولت، هزینه ها و مخارج و یا حتی اصلاح قوانین بودجه دارد، به همین منظور، کمیسیونی به نام «کمیسیون مالی» به این امر اختصاص داده شده است. به عنوان امری پیشرونده انتخابات پارلمانی کویت در تیر ۱۳۸۵ برگزار شد. این اولین انتخاباتی بود که زنان توانستند در آن مشارکت کنند. ۳۴۰ هزار نفر برای رای دادن ثبت نام کردند که ۵۷ درصد آنان را

زنان تشکیل می دادند. در این انتخابات ۲۴۹ نفر برای کسب ۵۰ کرسی پارلمان با یکدیگر رقابت کردند که ۲۷ تن از آنان زن بودند. میزان مشارکت مردم در این انتخابات ۶۶ درصد بود. میزان مشارکت زنان در این انتخابات چشمگیر و بالغ بر ۳۵ درصد بود. در انتخابات مجلس که در سال ۱۳۸۲ برگزار شد دویست و هفتاد و شش نامزد حضور داشتند. در این انتخابات ۸۰ درصد از واجدین شرایط رای دادن در انتخابات مشارکت داشتند هر چند فقط ۱۵ درصد شهروندان حق شرکت در انتخابات داشتند.

* هر چند زنان هنوز تحت محدودیت های سیاسی و حقوقی هستند ولی زنان حق رای دادن و نامزدی برای انتخابات مجلی و انتخابات محلی دارند.

* اقلیت شیعه (یک سوم جمعیت) در این کشور از آزادی بیشتر برخوردارند و در سال ۲۰۰۷ خانم معصومه مبتکر از شیعیان به عنوان وزیر بهداشت انتخاب شد. و در سپتامبر ۲۰۰۷ وزیر اطلاعات مانع از ادامه پخش یک سریال تلویزیونی در نقد عقاید شیعیان شد.

* در سال ۲۰۰۶ دادگاه ممنوعیت ۲۴ اجتماعات را لغو کرد هرچند هنوز کنترل دولتی بر آنها شدید است.

* دادگاه ها هنوز تحت کنترل دولت بوده و قانون مطبوعات ۲۰۰۶ از انتقادات از مسئولین جلوگیری می کنند.

شاخص های جزئی دموکراسی در کشورهای عربی خلیج فارس در سال (۲۰۰۸) ۲۴

حقوق و آزادی فردی	آزادی بیان و عقیده	کارکرد های حکومت	مشارکت و تکرر سیاسی	وضعیت	آزادی بیان	آزادی مطبوعاتی	آزادی سیاسی	آزادی اقتصادی	آزادی اجتماعی	
۲	۳	۰	۴	۱	۰	۰	غیر آزاد	۶	۷	عربستان سعودی
۴	۳	۳	۷	۲	۲	۱	غیر آزاد	۵	۶	امارات متحده
۴	۴	۲	۸	۳	۲	۲	غیر آزاد	۵	۶	قطر

۵	۴	۳	۶	۲	۲	۲	غیر آزاد	۵	۶	عمان
۵	۷	۶	۹	۶	۹	۴	تا حدی	۴	۴	کویت
۷	۳	۳	۹	۴	۸	۳	تا حدی	۵	۵	بحرین

بخش سوم: شاخص های نظامی گری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس:

گرایشات ملیتاریستی کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس پس از جنگ سرد را می توان در دو دوره مختلف مشاهده کرد در هر دو دوره عواملی مانند تقابل الگوهای نظم منطقه ای کشورهای درگیر، ابعاد منافع مورد نظر، اولویت های امنیت ملی (داخلی و منطقه ای)، چارچوب ائتلاف ها و نوع شکل بندی آنها، برونزا یا درونزا بودن فرآیند ثبات سازی، نقش بازیگران منطقه ای و بین المللی در آن و در نهایت تصور از اهداف، منافع و اقدامات یکدیگر نسبت به دیگری در نظامی گری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تأثیرگذار است. بنابراین شدت گرایشات ملیتاریستی را باید در این چارچوب دید تا بتوان هرگونه تضعیف این گرایشات را با کاهش فضای تهدید و تفاهات امنیتی مرتبط دانست. با توجه به این نکته در ابتدا ضمن تعریف و توضیح ابعاد گرایشات ملیتاریستی، در بخش دیگر به نوع شکل بندی و محتوای آن در دو دوره مختلف الف: پس از جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ و ب: پس از حمله نظامی آمریکا به عراق پرداخته می شود.

تعریف نظامی گری

واژه ملیتاریسم به طور گسترده ای هم برای اهداف تحلیلی و هم مقاصد عملگرایانه در پدیده های مختلفی مورد استفاده قرار می گیرد. در سنت لیبرال غربی بیشتر پژوهشگران بر ویژگی زیاده روی (هزینه های نظامی، خرید جنگ افزار و ...) تأکید می نمایند در حالیکه در جریان مارکسیسم، ملیتاریسم مرتبط با امپریالیسم و سرمایه داری انحصاری دیده می شود. با وام گیری از هر دو سنت می توان بحث ملیتاریسم را در سه بعد سازمان داد: الف: بعد رفتاری ملیتاریسم، ب: نگرشی یا ایدئولوژیکی ملیتاریسم و ج: بعد ساختاری ملیتاریسم.

این سه بعد هرچند از لحاظ نظری با همدیگر مرتبطند ولی عملاً ارتباط آنها ضعیف می باشد. پژوهشهای گسترده ای لازم است تا به طور دقیق ارتباط این ابعاد را مشخص کند: مثلاً چه ارتباطی بین خرید انبوه و انبارسازی تسلیحات از سوی کشورهای یک منطقه (رقابت تسلیحاتی در بعد

رفتاری) با احتمال وقوع جنگ یا عکس آن (یعنی موازنه) در آن منطقه وجود دارد؟ یا میزان تأثیر گرایش‌ها، نگرش‌ها و باورهای نخبگان و ایدئولوژی یک نظام خاص بر وقوع مقوله جنگ در کنار دیگر عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی چیست؟ و در نهایت ساختارهای داخلی و نظم منطقه‌ای و بین‌المللی چه تأثیری بر تقویت یا تضعیف احتمال وقوع جنگ می‌گذراند؟ به طور کلی با مرور موارد تاریخی پدیده‌های که به عنوان گرایش‌ها ملیتاریستی شناخته شده‌اند، می‌توان گفت که ویژگی‌های آنها از یک مورد به مورد دیگر متفاوت است و شاید نتوان واژه ملیتاریسم یا نظامی‌گری را به یک پدیده خاص تقلیل دهیم بلکه بیشتر باید ملیتاریسم را به عنوان یک عنوان کلی و برچسب (Label) برای یک سری پدیده‌های مرتبط به هم در سیاست خارجی به کار برد.

شاخص‌هایی چون رقابت در خرید تسلیحات و رشد مجموعه‌های صنعتی- نظامی بیشتر از رشد اقتصاد ملی، افزایش شمار نظامیان و هزینه‌های نظامی، تقدم همکاری‌های نظامی امنیتی بر همکاری اقتصادی، ورود به ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای و بین‌المللی، گرایش به حل و فصل نظامی اختلافات تا حل مسالمت‌آمیز آنها، و در نهایت تبلیغ ایدئولوژیک اختلافات و ضرورت مقابله با آن به عنوان یک تهدید در بین افکار عمومی و نهادینه کردن فرهنگ هابزی^{۲۵} در محیط اجتماعی یک منطقه از شاخص‌های گرایش‌ها ملیتاریستی در سیاست خارجی هستند. از اینرو با ذکر مقدمه فوق در این مقاله درصدد بازشناسی گونه‌های گرایش‌ها ملیتاریستی در سیاست خارجی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در دو مقطع دوران پس از جنگ سرد می‌باشیم.

نظامی‌گری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

الف: دوره اول: پس از جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱

طرح امنیتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با همکاری آمریکا برای تأمین امنیت خاورمیانه پس از جنگ سرد دو رکن اصلی داشت. ۱- خرید تسلیحاتی گروه اعضای شورا و ۲- حضور مستقیم آمریکا در پایگاه‌های نظامی در خاورمیانه برای آموزش این کشورها و انجام مانورهای نظامی^{۲۶}. پس از عملیات طوفان صحرا شیخ‌نشینان به طور فزاینده‌ای خواستار تسلیحات نظامی فوق پیشرفته شدند. در سال ۱۹۹۳ دولت عربستان ۳۵ میلیارد دلار معادل ۶۶/۷ درصد بودجه کشور را به خریدهای نظامی اختصاص داد و در سال ۱۹۹۴ بازمیزان خریدهای نظامی بیش از ۴۰ درصد بودجه کشور بود. در همین سال کشور عمان که با ۷۸۰ میلیون دلار کسری بودجه

مواجه بود ۱/۵ میلیارد دلار، معادل ۳۰ درصد بودجه کشور را صرف خرید تسلیحات نمود. عربستان سعودی در سال ۱۹۹۲ پس از مذاکره با بوش به یک معامله ۹ میلیارد دلاری دست زد که شامل ۷۲ جنگنده F-15 بود در همین سال ۴/۲ میلیارد دلار را بر خرید ۱۲ آتشبار سامانه ضد موشک پاتریوت اختصاص داد.^{۲۷} کویت نیز در سال ۱۹۹۲ ۱/۱ میلیارد دلار را به خرید ۶ آتشبار ضد موشک پاتریوت و ۶ آتشبار ضد موشک هاوک اختصاص داد و چندی بعد ۴ میلیارد دلار را صرف خرید ۲۳۶ تانک پیشرفته آبرامز از شرکت آمریکایی جنرال دینامیکز کرد.^{۲۸}

این خریده‌ها به خودی خود فاقد توان بازدارندگی بوده و باید آنرا با وجه دیگر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا یعنی حضور مستقیم این کشور بررسی شود.^{۲۹} خریده‌های تسلیحاتی فراوان موجب وابستگی بیشتر به حضور بیشتر آمریکا در خاورمیانه می‌شد و آمریکا با دلارهای نفتی اعراب هم منافع حیاتی خود (جریان نفت) را در کنترل می‌گرفت و هم چرخ صنایع تسلیحاتی‌اش با سرعت بیشتری می‌گشت. چنانچه ذکر گردید ایالات متحده که تا قبل از تقاضای رسمی دولت کویت پایگاهی در منطقه نداشت، پس از جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ که لازمه آن همانطور که شوراتسکف بیان می‌کرد، وجود پایگاههای نظامی بود به طور گسترده‌ای در کشورهای عضو شورای همکاری اقدام به تأسیس پایگاه نظامی نمود.^{۳۰}

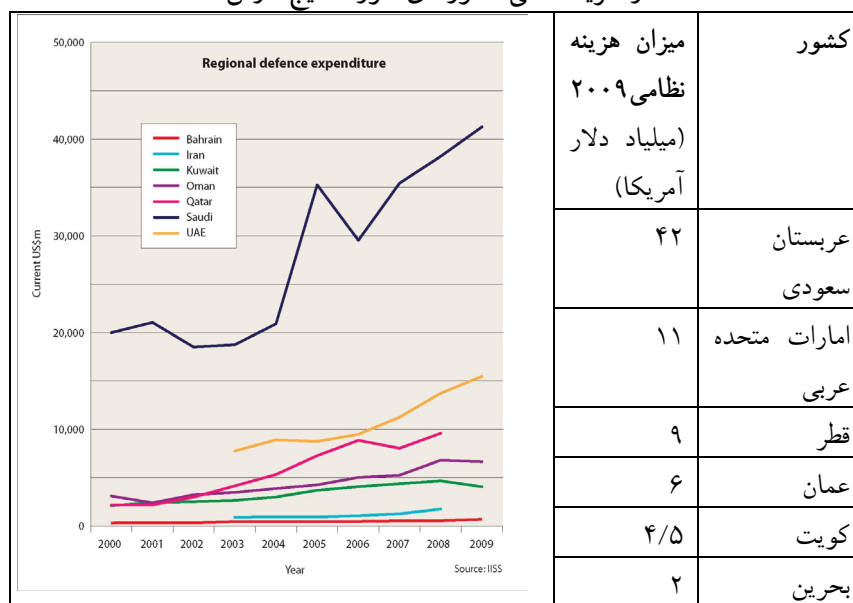
ب: دوره دوم، نظامی‌گری پس از جنگ خلیج فارس دوم ۲۰۰۳ و حمله آمریکا به عراق
حوادث پس از حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) و تغییر ژئوپلیتیکی در عراق (تغییر هویت سنی و عربی عراق) و افزایش حیطه نفوذ ایران در آن کشور و عوامل دیگری چون تقویت جایگاه و حوزه عملی گروههای مبارز فلسطینی و لبنان و کاهش موقعیت گروههای مصالحه‌جو، گسترش آرمان دموکراسی خواهی در منطقه با توجه به ساختار و پراکنش ژئوپلیتیک شیعه و در نتیجه برانگیختن زحمتهای دموکراسی خواهی در کشورهای اقتدارگرای عربی و نیز، پیشرفت‌های ایران در برنامه هسته‌ای خود از همه مهمتر پیروزی حزب‌الله و حماس در نبردهای خود با اسرائیل، موجب تقویت احساس تهدید امنیتی در بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس شده است. نمونه چنین احساس تهدیدی را می‌توان در نشست نمایندگان مصر، اردن، عراق و شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس با اعضای ۵+۱ در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸ برای بررسی پرونده هسته‌ای ایران دید که در حقیقت ابراز نگرانی اعراب از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران بود. موارد فوق رقابت‌های تاریخی (شیعه/ سنی، عرب و غیرعرب) بین ایران و اعراب را تشدید کرده و ترس از تحقق هژمونی

منطقه‌ای ایران، آنها را به تکاپو برای حفظ موازنه واداشته است. در ادامه به گونه‌های مختلف اقدامات ملیتاریستی اعراب در سیاست خارجی خود پرداخته می‌شود.

ب-۱- خرید تسلیحات

تاکنون تصور عمومی این است که خریداری نظامی کشورهای عربی بی‌ارتباط با اهداف استراتژیک و طرح کلی امنیتی از پیش تعیین شده بود و بیشتر بر اساس میزان منابع مالی در دسترس، میل به کسب پرستیژ، گرایش به دریافت تسلیحات پیشرفته، خرید تسلیحات به منظور حفظ روابط حسنه با غرب و در نتیجه کمک غرب به حفظ رژیم خود و فساد اقتصادی و سیاسی انجام می‌گرفته است اما اکنون به نظر می‌رسد که خریدهای تسلیحاتی کشورهای حوزه خلیج فارس مستقیماً با هدف تهدید و مقابله با ایران خریداری می‌شود. در مجموع براساس اعلام «مرکز کنترل و عدم گسترش تسلیحات»، از سال ۲۰۰۳ به بعد کشورهای خاورمیانه در مجموع رقم نجومی ۴۹۵ میلیارد دلار تسلیحات خریداری کرده‌اند که بخش اعظم آن سهم کشورهای حوزه شورای همکاری خلیج فارس PGCC است.^{۳۱} به‌عنوان مثال خرید تسلیحاتی سال ۲۰۰۸ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حدود ۸۲ میلیارد دلار بوده است. می‌توان سهم کیفی تسلیحات خریداری شده با توجه به اهداف آن را در مؤلفه‌های دریایی و هوایی بارزتر از دیگر مؤلفه‌ها دانست. در حوزه نیروی دریایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بر «حفاظت برد کوتاه» از خطوط ساحلی و منطقه انحصاری اقتصادی تمرکز دارند و به همین منظور سرمایه‌گذاری گسترده‌ای بر روی «شناورهای گشت ساحلی» (OPV) با مشارکت واحد هلیکوپترهای توپدار صورت گرفته است. این شناورها انواع مختلف کلاس‌های عملیاتی خریداری شده که نمونه اصلی آنها «رزمناوهای کلاس بینونه» برای انجام اهداف منطقه‌ای است. در زمینه نیروی هوایی تمرکز کشورهای عربی خلیج فارس بیشتر بر خرید سیستم دفاع هوایی است. به‌عنوان مثال در سپتامبر ۲۰۰۸ امارات متحده عربی سیستم دفاع هوایی ارتفاع بالا در صحنه نبرد THAAD را به ارزش ۸ میلیارد دلار از آمریکا خریداری نمود.^{۳۲}

آمار خرید نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس^{۳۳}



به گزارش Defense News در دسامبر ۲۰۰۸ نیز امارات متحده عربی اولین سری سیستم رهگیری موشک Patriot-3 را به آمریکا سفارش داد که با توجه به قابلیت‌های این سیستم می‌توان دریافت که برای حملات هوایی منطقه‌ای و نزدیک طراحی شده است که براساس مفاد این قرارداد این سیستم بخشی از سیستم‌های موشکی میان‌برد برای ایجاد «سپر دفاعی چند لایه‌ای» از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است.^{۳۴} کویت نیز که هم‌اکنون مجهز به پک ۲ سیستم پاتریوت است خواستار ارتقاء به نوع پیشرفته‌تر ۳ این سیستم است. قطر نیز درصدد خرید این سیستم می‌باشد.

ب-۲- همکاری نظامی با قدرت‌های غربی

به طور کلی فارغ از اینکه کشورهای عربی چه میزان بر روی نیروهای نظامی خود سرمایه‌گذاری نمایند نهایتاً آنها در جستجوی کسب حمایت قدرتهای غربی برای تضمین امنیت خود هستند. فقدان مجریه نظامی، جمعیت کم، عمق محدود ژئوپلیتیکی، سطح پایین نیروهای انسانی متخصص بومی همگی بدین معنی است که کشورهای عربی به حامیان فرامنطقه‌ای برای حفظ رژیم‌های خود نیاز

دارند. به طور تاریخی ایالات متحده اولین حامی غربی این کشورها است در این راستا در می ۲۰۰۶ طرح گفتگوهای امنیتی خلیج فارس بین ایالات متحده و شش کشور عضو حوزه خلیج فارس برگزار گردید که دارای اهداف زیر بود:

- بهبود توانمندیهای دفاعی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس
- پیگیری موضوعات امنیت منطقه‌ای
- اقدامات پیشگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی
- اقدامات ضدتروریستی و حفظ امنیت داخلی رژیم‌ها در مقابل تهدیدات داخلی
- حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی کشورها
- تعهد به وضعیت عراق^{۳۵}

علاوه بر ایالات متحده، مقوله «تنوع بخشی در روابط امنیتی» فاکتور کلیدی جمعی در تفکر امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس بوده به همین منظور همکاریهای نظامی با دیگر کشورهای غربی چون فرانسه، انگلستان و حتی روسیه نیز در دستور کار قرار گرفته است. امارات متحده عربی هم اکنون اقدام به بازگشایی سرزمین خود به دیگر قدرتهای غربی نموده است. در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۸ فرانسه و امارات توافقنامه تأسیس پایگاه نظامی جدیدی در بندر ابوظبی امضاء نمودند. علاوه بر تأسیس این پایگاه، امارات متحده عربی و قطر به انجام تمرین‌های بزرگ با فرانسه نیز اقدام می‌کنند. در ۲۳ فوریه ۲۰۰۸ یک ماه بعد از ایجاد پایگاه نظامی مذکور، نیروهای نظامی امارات متحده عربی، قطر و فرانسه یک تمرین نظامی یک هفته‌ای به نام «سپر خلیج فارس ۱» برگزار نمودند.^{۳۶} علاوه بر فرانسه، ترکیه نیز می‌تواند شریک همسایه‌های عرب ایران باشد. در ۲ سپتامبر ۲۰۰۸ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با ترکیه یادداشت تفاهم تقویت روابط سیاسی نظامی را امضا نمودند. وزیر امور خارجه قطر؛ حمد بن جاثم‌الثانی - امضاء این یادداشت تفاهم را گامی برای شروع روابط ترکیه و کشورهای عربی دانست که برای هر دو کشور طرف حیاتی است. در کنار روابط دوجانبه با کشورهای عضو ناتو چون فرانسه و ترکیه، کشورهای حوزه خلیج فارس درصدد همکاری سازنده امنیتی با سازمان ناتو به عنوان یک کل هستند. در نشست ابتکار همکاری استانبول ۲۰۰۴ اعلام شد که ناتو گفتگوها و همکاریهای عملی با کشورهای منطقه خلیج فارس و تقویت امنیت آن‌ها را افزایش می‌دهد.^{۳۷} تاکنون کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین برای پیوستن با این ابتکار همکاری امنیتی موافقت نموده و عربستان سعودی و عمان نیز موافق پیروی از تصمیمات آن هستند.

ب-۳ - گسترش تسلیحات غیرمتعارف برای رسیدن به توازن منطقه‌ای

بزرگنمایی توهم تهدید از سوی ایران سبب شده است که کشورهای عربی درصدد پیگیری کسب سلاح‌های بیولوژیکی، شیمیایی و هسته‌ای برآیند. به دلیل ضعف بنیة علمی و فقدان زیرساختارهای سخت افزاری لازم امکان ایجاد تأسیسات هسته‌ای به منظور غنی‌سازی سطح بالا و بازفرآوری اورانیوم برای آنها وجود ندارد ولی برخی گزارشات « مبنی بر تلاش عربستان سعودی برای خریداری سلاح از پاکستان به دلیل ضعف سیستم کنترلی این کشور بر انبارهای هسته‌ای خود، زنگ خطر گسترش سلاح هسته‌ای را در منطقه به صدا در آورده است. این تردیدها در مورد مصر نیز وجود دارد. در زمینه تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی نیز مصر و بویژه عربستان با توجه به خرید ۳۶ موشک با برد ۱۵۰۰ مایلی از چین با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای در سال ۱۹۸۴ نیز پیش‌بینی‌هایی صورت می‌گیرد.

ب-۴ - چتر هسته ای آمریکا در خاورمیانه

سابقه گسترش تسلیحات هسته ای توسط آمریکا در مناطق مختلف جهان به دوران جنگ سر بر میگردد که بحران موشکی کوبا ۱۹۶۳ نیز در واکنش با دپوی تسلیحات اتمی آمریکا در ترکیه بود. پیشنهاد گسترش چتر هسته ای آمریکا در خاورمیانه علیه ایران در واکنش به ترس از گسترش رقابت های هسته ای کشورهای عربی و کسب سلاح اتمی از بازار سیاه بواسطه درآمد بالای نفتی صورت میگیرد و گرنه هیچ یک از کشورهای عربی توانایی فنی و علمی تولید سلاح هسته ای را ندارند. این طرح آمریکا مقدمه شروع رقابتهای تهاجمی کشورهای عربی در شرایط تضمین امنیتی آمریکا علیه ایران در موضوعات منطقه ای خواهد بود و می‌تواند باعث افزایش بی‌ثباتی در منطقه گردد. جنگ نیابتی و نظامی گری عربستان در یمن یکی از اینگونه موارد است.

۱) بخش چهارم: رابطه بین شاخص های دموکراسی و هزینه نظامی

با مطالعه میزان شاخص های نظامیگری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و میزان شاخص های دموکراسی در این کشورها نتایجی حاصل می شود که عبارتند از:

۱- هر چه در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس شاخص های دموکراسی پایین تر باشد میزان شاخص های نظامیگری بالاتر می روند. از اینرو عربستان سعودی و امارات متحده عربی با وضعیت سیاسی غیر آزاد الگوهای نظامیگری چون خرید تسلیحاتی، مواجهه جویی نظامی، دخالت نظامی (بخصوص عربستان در یمن)، ورود به ائتلافات نظامی و... نیز در این کشورها بیشتر است. این به معنی نبود عوامل تاثیرگذار داخلی از طریق سازوکار پاسخواهی از مسئولان سیاسی در این کشورهاست.

کشور	وضعیت سیاسی	میزان هزینه نظامی ۲۰۰۹ (میلیارد دلار آمریکا)
عربستان سعودی	غیر آزاد	۴۲
امارات متحده عربی	غیر آزاد	۱۱
قطر	غیر آزاد	۹
عمان	غیر آزاد	۶
کویت	تا حدی آزاد	۴/۵
بحرین	تا حدی آزاد	۲

۲- هرچه در کشورهای شاخص های دموکراسی بالاتر می رود میزان شاخص های نظامیگری پایین تر می روند. از اینرو کشورهای کویت و بحرین با وضعیت سیاسی تا حدی آزاد الگوهای نظامیگری چون خرید تسلیحاتی، مواجهه جویی نظامی، دخالت نظامی (بخصوص عربستان در یمن)، ورود به ائتلافات نظامی و... نیز در این کشورها کمتر است. این به معنی وجود عوامل تاثیرگذار داخلی از طریق سازوکار پاسخواهی از مسئولان سیاسی در این کشورهاست. که این امر در تاثیرگذاری بیشتر نقش مجلس در این دو کشور و فعالیت بیشتر سازمانهای غیر دولتی (NGOs)، و برخی مطبوعات بخش خصوصی مشهود است.

نتیجه گیری

این تحقیق در صدد آزمون فرضیه «صلح دموکراتیک» در مورد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در خصوص وجود یا عدم رابطه بین متغیر استقرار دموکراسی و تنش زدایی (صلح طلبی) و نیز رابطه بین عدم وجود دموکراسی و نظامیگری بود که در نهایت فرضیه این مقاله با استناد آماری تایید شد. بنابراین می توان امیدوار بود که استقرار دموکراسی به صورت فراگیر در منطقه می تواند زمینه ساز صلحی پایدار را فراهم آورد. زیرا دموکراسی در عرصه داخلی می تواند از طریق سازوکارهای پاسخ خواهی و سازوکار های نهادی (مانند تقویت نقش مجلس) از تصمیمات دلبخواهانه رهبران در اتخاذ تصمیمات ستیزه جویانه جلوگیری نماید.

زیرنویس ها

1. See: Moravcsik, Andrew, 1994. "Why the European Community Strengthens the State: Domestic Politics and International Cooperation," paper presented to the Conference of Europeanists, Chicago, 31 March-2 April. And ,Moravcsik, Andrew, 1995. "Liberal Intergovernmentalism and Integration: A Rejoinder," *Journal of Common Market Studies*, Vol. 33, pp. 611-628.
2. Bueno de Mesquita and David Lalman,(1992).*War and Reason* . New Haven, Conn.: University Press 95
3. John W. Patty and Roberto A. Weber (2006)*Agreeing to fight: an explanation of the democratic peace Politics, Philosophy & Economics*, Vol. 5, No. 3, p.315.
4. Geis, Anna and Wolfgang Wagner. 2008"From Democratic Peace to Democratic Distinctiveness: A Critique of Democratic Exceptionalism," *Peace and Conflict Studies*," *Comparative Research in Law & Political Economy*, Vol. 04, No. 8, available at:<<http://ssrn.com/abstract=1313700>>
5. Russett, B., And J.R. Oneal (2001) *Triangulating Peace: Democracy, Independence, and International Organizations*. New York: W. W. Norton, p38.
6. Bueno De Mesquita, B., J.D. Morrow, R. Siverson, And A. Smith (1999) *An Institutional Explanation of the Democratic Peace*. *American Political Science Review*. 93:791-807. P.796.
7. Doyle, M.W. (1983) *Kant, Liberal Legacies, and Foreign Affairs: Part II*. *Philosophy and Public Affairs*, 12:323-53. P.328
8. Risse-Kappen, T. (1995) *Democratic Peace, Warlike Democracies? A Social Constructivist Interpretation of the Liberal Argument*. *European Journal of International Affairs* 1:491-527.500

⁹ . مشیرزاده

10. Russett, B. (1993) *Grasping the Democratic Peace*. Princeton, NJ: Princeton University Press. P. 31
 11. Doyle, Op. Cit, P. 330
 12. Risse-Kappen, Op. Cit, P. 503
 13. Gaubatz, K. T. (1999) *Elections and War*. Stanford, CA: Stanford University Press. P. 11
 14. Oneal, John, and Bruce M. Russett. 1999. "The Kantian Peace: The Pacific Benefits of Democracy, Interdependence, and P. 25
 15. John W. Patty and Roberto A. Weber, , Op. Cit, P. 308
 16. John W. Patty and Roberto A. Weber, , Op. Cit, PP. 307-309
 17. Freedom in the World (2009). Methodology. Available at: http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=351&ana_page=354&year=2009
 18. Freedom in the World (2008). Saudi Arabia. Available at: http://www.freedomhouse.org/inc/content/pubs/fiw/inc_country_detail.cfm?country=7482&year=2008&page=0&view=mof&pf
 19. Freedom in the World (2008). United Arab Emirates (2008). Available at: http://www.freedomhouse.org/inc/content/pubs/fiw/inc_country_detail.cfm?country=7513&year=2008&page=0&view=mof&pf
 20. Freedom in the World (2008). Oman (2008). Available at: http://www.freedomhouse.org/inc/content/pubs/fiw/inc_country_detail.cfm?year=2008&country=7463&pf
 21. Freedom in the World (2008). Qatar (2008). Available at: http://www.freedomhouse.org/inc/content/pubs/fiw/inc_country_detail.cfm?year=2008&country=7473&pf
 22. Freedom in the World (2008). Bahrain. Available at: http://www.freedomhouse.org/inc/content/pubs/fiw/inc_country_detail.cfm?year=2008&country=7348&pf
 23. Freedom in the World (2008). Kuwait (2008). Available at: http://www.freedomhouse.org/inc/content/pubs/fiw/inc_country_detail.cfm?year=2008&country=7426&pf
 24. Freedom in the World . Tables and Charts . Freedom in the World 2008: Subscores. Available at: <http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=414>
25. برای مطالعه درباره گونه شناسی فرهنگ های حاکم بر روابط بین الملل سازه انگارانه بنگرید به: ونت، الکساندر (۱۳۸۴) *نظریه اجتماعی سیاست بین الملل*. ترجمه حنیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
26. Rolin G. Mainuddin, Joseph R. Archer, *From Alliance To Collective Security: Rethinking The Persian Gulf Cooperation Council, Middle East Policy*, Vol. 4, No. 3, March 1996, p. 39
 27. Peter W. Wilson and Douglas F. Geraham, *The Saudi Arabia: The Coming Storm*, New York: M. E. Sharp, 1994, pp. 56-60, 81-82, 156-160. and see: Geoffrey Kemp, *Regional Security, Arms Control and End of Persian Gulf War*, In, Sherly J. Brown and Kimber M. Schroub, (eds) *Resolving, Third World's Conflict: Changes For a New Era*, Washengton DC: United States Institute of Peace Press, 1992, p. 123
 28. Joseph W. Twinam, *The Persian Gulf Cooperation Council Since Persian Gulf War: The State of Stetes, Middle East Policy*, Vol. 2, No. 4, 1992, pp. 97-100.
 29. Stephen Zunes, *The U.S. PGCC Relationship: Its Rise and Political Fall, Middle East Policy*, Vol. 2, No. 1, 1993, p. 105.

IPSC Journal - No 1

30 . پیر سالینجر و اریک لوران، پرونده محرمانه جنگ خلیج فارس . ترجمه احمد موسی زاده، تهران: نشر اطلاعات، ص ۱۵.

31. SIPRI Yearbook 2008, Table 5A.1. Available online
http://www.sipri.org/contents/milap/milex/mex_graph_me.html
32. Khaitous Tariq(2009). Arab Reactions to a Nuclear-Armed Iran . the Washington Institute For Near East Policy, Policy Focus #94 | June 2009.P.27
33. Gulf states step up defences. International Institute for Strategic Studies..Volume 15 Issue 09 November 2009. Available at: <http://www.iiss.org/publications/strategic-comments/past-issues/volume-15-2009/volume-15-issue-9/gulf-states-step-up-defences/>
34. Defense News, September 13, 2008. Available online At:
<http://www.defensenews.com/story.php?i=3722961>
35. Blanchard. M Christopher and Grimmett F. Richard. The Gulf Security Dialogue and Related Arms Sale Proposals.PP. 1-3. Available at:
<http://www.fas.org/sgp/crs/weapons/RL34322.pdf>
36. Khaitous Tariq.Op.Cit.P.43
37. Ibid.P.43.P.47

International Journal for Peace and Security Studies

Just Peace Diplomacy Journal

Number 1 Jul - Sep 2010
ISSN 2043-9016

Dialogue and Difference
Regional Stability and Balancing in the Persian Gulf
Analysis of the Effect of Oil Income on Militarism
Ontological Security and Militarism in the Persian Gulf
Iran – US Relations and Its Impact on Persian Gulf
... 5 Persian and 2 Arabic articles

